

باندگی اندیشه مهدویت در فرهنگ تشیع

عبدالله ابراهیم زاده آملی
عضو هیات علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

در این مقاله با نگاهی نو به اندیشه مهدویت، هم باندگی این اندیشه روشن می‌شود و هم باندگی اصل مکتب تشیع و حقانیت آن؛ چرا که یکی از نشانه‌های مهم حقانیت و اصالت یک مکتب و آیین، نگاه منطقی و معقول به مسائل و پردازش واقع‌بینانه و قابل قبول آن است.

یکی از مسائل مهم مورد پذیرش و پردازش ادیان و مکاتب این است که آیا آینده بشر روشن و امیدبخش است یا تیره و ناامید کننده؟ گرچه اکثریت ادیان و مکاتب و دانشمندان، آینده بشر را روشن و امیدوار کننده می‌دانند ولی از میان آنها، اسلام و از میان مذاهب اسلامی، شیعه بالنده‌ترین و برترین نگاه و پردازش را نسبت به مسئله مزبور دارد.

جایگاه اعتقادی اندیشه مهدویت در نگاه شیعی، اعتقاد به موعود زنده مشخص، تبیین شفاف و مستدل مسئله و امکان ارتباط با موعود شیعی، از نشانه‌ها و دلایل روشن باندگی اندیشه مهدویت شیعی است.

نیز آموزه‌های اندیشه مهدویت شیعی بسیار بالنده و پردازش آن نیز بی‌نظیر است. از جمله مهم‌ترین آن آموزه‌ها عبارتند از: فرهنگ انتظار یا انتظار فرج، عدالت محوری و آرمان‌رهای مظلومان و مستضعفان.

واژگان کلیدی: آینده، اندیشه مهدویت، مهدی، موعود، انتظار، عدالت، مستضعفان.

باندگی اندیشه مهدویت در نگاه شیعی

یکی از مسائل مهمی که همه مکاتب بشری و الهی در گستره جهان از آغاز تا کنون به آن پرداخته و می‌پردازند، «آینده بشر» است، بدین معنا که فرجام تاریخ چیست و سرانجام زندگی بشر چه می‌شود؟

این مسئله که با سرنوشت انسان و فرجام زندگی او در این کره خاکی رابطه تنگاتنگ دارد و در ارتباط مستقیم با نیک‌بختی یا نگون‌بختی اوست، نزد همه ملل دنیا و همه مکاتب مادی و الهی از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هر کدام کوشیده تا به تناسب نوع نگاهش به مسائل زندگی و با اتکالی به جهان بینی و بینش فکری و اعتقادی‌اش به پاسخ آن بپردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از میان مکاتب و ادیان، مکتب آسمانی اسلام و از میان مذاهب اسلامی، مذهب شیعه اثنی عشری (دوازده امامی)، بهترین و جامع‌ترین پاسخ را به پرسش مربوط به فرجام زندگی و آینده بشر داده است.

در این مقاله برآنیم تا دلایل و قرائن برتری پاسخ شیعه به پرسش یاد شده را شناسایی و تبیین کنیم، تا در پرتو آن، نشانه‌های بالندگی فرهنگ تشیع در پرتو نگاه بالنده به اندیشه مهدویت آشکار شود.

به این منظور مباحث مقاله را در دو بخش جدا ولی مکمل یکدیگر سامان‌دهی می‌کنیم. در بخش نخست و مقدماتی، به برخی از نشانه‌ها یا دلایل و قرائن مهم بالندگی اندیشه مهدویت در نگاه شیعی اشاره می‌شود و در بخش دوم و اصلی نیز برخی از مهم‌ترین آموزه‌های مهدویت در نگاه شیعی ارائه شده و مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. اما پیش از آن لازم است تا گذری و نظری به مسئله «آینده بشر» یا «اندیشه مهدویت» در نگاه مکاتب و ادیان داشته باشیم.

توضیح آنکه اگر از اندک افراد و گروه‌هایی بگذریم که به دلیل کج‌اندیشی، نگرش منفی به نظام هستی و انسان دارند و در نتیجه، به آینده انسان خوش بین نبوده، آینده و فرجام زندگی او را تیره و تاریک می‌بینند،^۱ اکثریت قریب به اتفاق ملت‌ها و مکتب‌ها با استناد به شواهدی، آینده را روشن و امیدوار کننده می‌دانند و روزگار‌رهایی از مشکلات، ستم‌ها، تبعیض‌ها و رسیدن به ساحل نجات و رفاه و آسایش را همراه با وحدت، همدلی و صلح و صفا در پرتو حکومت جهانی یک مصلح و منجی جهانی، نوید می‌دهند.

از این رو، روزگار‌رهایی که از آن به «نظریه نجات» تعبیر می‌شود، نظریه‌ای فراگیر در مقیاس جهانی بوده^۲ و از آغاز زندگی بشر تا کنون توسط رهبران الهی و اندیشمندان بزرگ بشری به صورتهای گوناگون مطرح شده و می‌شود؛^۳ چرا که امید به آینده‌ای روشن و رهایی از بدبختی‌ها، خاستگاه درونی دارد و از فطرت خداجویی، حس کمال‌خواهی، و حس جاویدان‌طلبی انسان سرچشمه می‌گیرد.^۴

به همین دلیل، اعتقاد به ظهور منجی و موعود آخرالزمان یا موعود آخرین به عنوان یک اصل و باور قطعی و مسلم نزد همه ادیان آسمانی و توحیدی مطرح است؛^۵ و در میان ادیان

الهی، آیین جهانی اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین به «اندیشه مهدویت» و ظهور مهدی موعود به صورت جامع تر و کاربردی تر پرداخته است؛ زیرا مانند سایر مکاتب و ادیان به صرف بیان کلیاتی درباره آن بسنده نکرده است، بلکه کوشیده تا اطلاعات دقیق تر، جزئی تر و مستندتری ارائه کند و مصداق روشن تر آن، همراه با بیان ویژگی های شخصیتی و چگونگی ظهورش را معرفی نماید.

بر این اساس، همه فرق و مذاهب اسلامی با استناد به احادیث و روایات فراوان^۶ که بسیاری از آنها متواتر و قطعی الصدور می باشند،^۷ در این مسئله اتفاق نظر دارند که در آخر الزمان پس از آن که جهان را ظلم و جور و فساد فراگرفت، مردی به نام «مهدی (عج)» از دودمان پیامبر (ص) و از نسل دخترش حضرت فاطمه زهرا (س) ظهور خواهد کرد و با کمک های غیبی، بساط ظلم و جور ستمگران و طاغوتیان را از زمین برمی چیند و جهان را پر از عدل و داد می کند و حکومت واحد جهانی اسلامی را برپا کرده و همه احکام اسلام به ویژه احکام بر زمین مانده آن را به اجرا در می آورد.^۸ اخبار و روایات درباره حضرت مهدی علیه السلام آن قدر زیاد و متواتر است که حتی اهل سنت نیز منکر وجود مهدی علیه السلام و ظهورش در آخر الزمان را کافر می دانند!^۹

بنابراین، با توجه به جایگاه اسلام در میان ادیان زنده توحیدی جهان که بنا به دلایل عقلی و نقلی، به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی و توحیدی ناب مطرح است، طبیعی است که نگاهش به همه مسائل مورد نظر و از جمله به آینده بشر و مسئله مهدویت، جامع تر و دقیق تر از سایر ادیان باشد.

اما از میان مذاهب اسلامی، مذهب شیعه اثنی عشریه که به عنوان مصداق جامع و کامل اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله مطرح است، نگاهش به آینده، اندیشه مهدویت و ظهور موعود اسلام و امت های گذشته، جامع تر، دقیق تر و روشن تر بوده و با تعیین مصداق مهدی علیه السلام و ذکر مشخصات زندگی و چگونگی ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، همراه است.

از این رو افزون بر همه اطلاعاتی که دیگر مکاتب و ادیان و به ویژه مذاهب دین اسلام درباره مهدی موعود ارائه کرده اند در مکتب تشیع اخباری به صورت مستند و مستدل همراه با شرح جزئیات و تعیین مصداق آمده است - که به زودی بیان خواهد شد -

به همین دلیل، منشأ اعتقاد شیعه به مهدی موعود و یا به بیان روشن تر، به امام زنده غائب علیه السلام، دلایل معتبر عقلی و نقلی بوده و افزون بر دلالت بسیاری از آیات قرآن بر مسئله مهدویت و ظهور منجی، روایات قطعی و متواتر بی شماری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام بر حقانیت دیدگاه شیعه درباره اندیشه مهدویت و مهدی موعود علیه السلام دلالت می کند.

مناسب است پیش از ارائه دلایل و قرائن بالندگی و پویایی اندیشه مهدویت در تفکر شیعه، به یک گزارش در همین زمینه اشاره کنیم؛ گزارشی که تهیه کنندگان آن دشمنان قسم خورده و آشتی ناپذیر شیعه و اسلام یعنی کارشناسان رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌باشند. خلاصه این گزارش که در «کنفرانس تل‌آویو» در دسامبر ۱۹۸۴ میلادی (۱۳۶۵ ه. ش) تهیه گردید، این است که در تاریخ یاد شده در دانشکده تاریخ دانشگاه تل‌آویو با همکاری مؤسسه مطالعاتی شیلووه - که یک مؤسسه مطالعاتی غیر انتفاعی و مرتبط با صهیونیسم است - کنفرانسی با حضور سیصد شیعه‌شناس برگزار شد و در آن ظرف سه روز سی مقاله ارائه شد و به قول «مارتین کرامر» یکی از شیعه‌شناسان جهان که دبیر این کنفرانس بود، هدف اصلی از برپایی این کنفرانس، شناخت مفاهیم محوری در تمدن شیعه اثنی‌عشری و نیز شناسایی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در کشور ایران بود.

در این کنفرانس پس از تحلیل بسیار، دو مفهوم محوری بحث و بررسی و شناسایی شد. مفهوم محوری اول: آن نگاه سرخی است که شیعیان به صحرای کربلا و عاشورا دارند و متأثر از فرهنگ بالنده شهادت نهاده شده در قیام خونین امام شهیدشان حسین بن علی علیه السلام و یارانش هستند؛ و به همین دلیل در طول تاریخ به قیامها و انقلابهای خونینی دست زده‌اند؛ و انقلاب بزرگ اسلامی معاصر ایران به رهبری امام خمینی نیز الگو گرفته از همین نهضت عاشورا و فرهنگ ایثار، پایداری و شهادت آن است.

مفهوم محوری دوم: نگاه سبزی است که شیعیان اثنی‌عشری به امام زمان علیه السلام، یعنی مهدی موعود علیه السلام دارند، امامی زنده و ناظر بر اعمال و رفتار شیعیان، کمک‌کار و حافظ آنها در سطح گسترده که پیوسته آمدنش را انتظار می‌کشند، انتظاری هوشمندانه و تحوّل آفرین! بنا بر این، به اعتراف دوست و دشمن، مکتب تشیع به دلیل برخورداری از فرهنگ حماسی و بالنده «شهادت و انتظار» برخاسته از دو نگاه سرخ حسینی و سبز مهدوی، مکتبی زنده، بالنده و انقلاب آفرین است.

اینک برخی از مهم‌ترین دلایل و قرائن بالندگی اندیشه مهدویت در نگاه شیعه ارائه می‌شود:

۱. جایگاه اعتقادی اندیشه مهدویت

اندیشه مهدویت در نگاه شیعی از بالاترین جایگاه یعنی جایگاه اعتقادی برخوردار است؛ زیرا حضرت مهدی موعود علیه السلام در اعتقاد شیعه در جایگاه امام دوازدهم از سلسله جلیله امامت قرار دارد و به عنوان «خاتم الاوصیاء» از اوصیای دوازده گانه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله مطرح می‌باشد.

اصل امامت در مذهب شیعه اثنی عشریه به عنوان اصلی اعتقادی از اصول پنجگانه دینی است. این در حالی است که هیچ یک از مذاهب و فرق اسلامی چنین جایگاهی را برای مسئله امامت قائل نیستند. طبیعی است همین جایگاه اعتقادی دادن به مسئله امامت، به اندیشه مهدویت در تفکر شیعی، قداست، بلندمرتگی و بالندگی خاصی بخشیده و موجب توجه و اهتمام ویژه شیعیان نسبت به آن شده و انگیزه آنان در پیگیری مسئولانه تر و با نشاط تر آن را دو چندان کرده است.

۲. موعود زنده

شیعه تنها مکتب و مذهبی است که منجی و موعودش زنده و عینی است و مانند دیگر مکاتب و ادیان به آینده نامعلوم واگذار نشده است. منجی مآتها و مکاتب دیگر، یک موجود یا مفهوم ذهنی و ایده آلی بوده و یک موجود زنده شخصی نیست لذا در زندگی بشر تجلی و حضور عینی ندارد. حتی سایر مذاهب اسلامی و اهل سنت به رغم همراهی و اتفاق با شیعه اثنی عشری در بسیاری از مسائل مربوط به مهدی موعود علیه السلام، اما در بسیاری از مسائل مهم دیگر، از جمله همین مسئله زنده بودن آن حضرت اختلاف نظر دارند و نظریه مشهور در میان آنها این است که مهدی موعود، هنوز به دنیا نیامده و در آخر الزمان متولد می شود! ^{۱۱} و البته پیامدهای منفی این دیدگاه بر کسی پوشیده نیست.

اما در نظر شیعیان، امام زمان گرچه از دیده ها پنهان است، ولی زنده است و به طور فعال در زندگی بشر حضور داشته و در ابعاد گوناگون نقش مثبت خود را ایفا می کند، بلکه اساساً وجود مبارک او مایه نزول برکات فراوان غیبی و آسمانی و دفع بلاها و آفات از زندگی بشر و به ویژه پیروانش می شود؛ چرا که شیعه وجود امام معصوم علیه السلام را واسطه فیض الهی می داند و معتقد است عنایات و فیوضات الهی به بشر در پرتو وجود و حضور او نازل می شود تا جایی که بر اساس روایات معتبر، اگر حجت خدا (امام زمان علیه السلام) نباشد، زمین ساکنانش را فرو می برد. ^{۱۲}

جالب تر این که قلمرو حاکمیت، ولایت و حضور عینی و تأثیرگذاری امام مهدی علیه السلام در زندگی شیعیان - و بلکه سایر مردم - تا آنجاست که اعمال نیک و بد آنان هر روز به پیشگاه او عرضه می شود و آن حضرت از اعمال نیک مردم مسلمان و شیعیان خوشحال و نسبت به اعمال بد و گناه آنان نگران و ناراحت می شود. ^{۱۳} این خود گواه روشن دیگری بر بالندگی اندیشه مهدویت در نگاه شیعی است.

۳. شفاف و نقض ناپذیر

هر اندازه یک نظریه در جزئیات روشن تر بوده و از ابهام آمیزی و رازگویی به دور باشد، علمی تر، واقع بینانه تر و بالنده تر است.

رازآلودگی و ابهام آمیزی، مشکل قریب به اتفاق نظریه‌هایی است که درباره آینده جهان، جامعه ایده‌آل و مدینه فاضله موعود، ارائه شده و می‌شود.

ولی مکتب تشیع به عنوان اسلام ناب محمدی ﷺ و به پشتوانه فرهنگ غنی اسلام با جامعیت و کمال مطلقش، درباره همه مسائل مربوط به عصر ظهور، پاسخ روشنی دارد.

گواه روشن ادعای ما، تدوین و نگارش هزاران کتاب، رساله، دائرة المعارف، موسوعه‌های علمی - فرهنگی در ابعاد اعتقادی، فقهی، تاریخی و... درباره حضرت مهدی علیه السلام از سوی اندیشمندان و متفکران اسلامی در طول تاریخ غیبت است که در آنها به جزئیات مسائل مربوط به حضرت مهدی، چگونگی ظهور و حکومتش در عصر ظهور و مسائل دیگر پرداخته‌اند.^{۱۴}

نمونه مسائل مورد پردازش در این کتابها، فرهنگ نامه‌ها و غیر آنها به این شرح است: شرح اصل و نسب، ویژگی‌های شخصیتی، شکل و شمایل ظاهری حضرت مهدی علیه السلام، تاریخ دقیق تولد، محل تولد، چرایی غیبت، محل زندگی، فلسفه طول عمر، انتظار فرج و فلسفه انتظار، وظایف شیعیان در عصر غیبت، علائم ظهور، چگونگی ظهور، محل ظهور، یاران آن حضرت هنگام ظهور، چگونگی دعوت مردم و تبلیغ رسالت خویش، مبارزاتش با طاغوتها و گردن‌کشان، سن آن حضرت هنگام ظهور، تشکیل حکومت جهانی اسلام، شیوه حکومت آن حضرت، زدودن ظلم، تبعیض و فساد و برقراری عدالت و مساوات در گستره جهان به معنای حقیقی کلمه، توسعه و رفاه اقتصادی، امنیت اجتماعی، پیشرفت فرهنگی و علمی بشر، مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام، سرانجام کار او و مسئله رجعت.

راز ماندگاری، بالندگی و نقض ناپذیری اندیشه مهدویت در تفکر شیعی در همین شفافیت، قطعیت، مستند و مستدل بودن آن است، به طوری که به هیچ وجه قابل انکار و ابطال نیست. مهدویت تشیع تاکنون به رغم چالشها، پرسشها و شبهات فراوان ایجاد شده از سوی مخالفان، اعم از روشنفکران لائیک و سکولاریست و غیر آنان، به همه آنها پاسخ داده و هر روز بالنده تر و پررنگ تر از گذشته در جوامع علمی و صحنه‌های فرهنگی، سیاسی و مذهبی حضور یافته و به حیاتش ادامه می‌دهد.^{۱۵}

شیعه در همین راستا، گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی‌ای را که بنا بر اعتقاد دروغین و بی‌اساس، فرد یا افرادی را به عنوان «مهدی موعود» معرفی کرده‌اند، با استدلال عقلی و منطقی و استناد به اسناد و مدارک دینی، مردود دانسته و به این طریق ساحت مقدس حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام را به عنوان یگانه منجی و مصلح حقیقی جهان، از این گونه شبیه‌سازیها و بدل‌های دروغین پاک و منزّه ساخته است.

۴. امکان ارتباط

از دیگر نشانه‌های روشن پویایی و حیات بالنده اندیشه مهدویت در نگاه شیعی، امکان برقراری ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام از سوی شیعیان و پیروان آن حضرت است. این ویژگی ممتاز مهدویت شیعی نیز از آنجا ناشی می‌شود که مهدی موعود مورد اعتقاد و انتظار شیعه، زنده بوده و به عنوان آخرین امام و حجت معصوم الهی مطرح می‌باشد و رسالتها و نقشهای تعیین کننده و بسیار سودمندی را در نظام هستی و به ویژه در زندگی فردی و جمعی بشر ایفا می‌کند.

با این بیان، روشن می‌شود که مسئله ارتباط با موعود در مکتب تشیع، طرفاً یکطرفه نیست که فقط آن حضرت توان برقراری ارتباط با مردم برای اثرگذاری لازم را داشته باشد، بلکه زمینه برقراری ارتباط برای پیروان آن حضرت نیز فراهم است و بلکه بالاتر، نه تنها راه ارتباط باز است بلکه سفارش فراوان شده و دستور صریح و مؤکد داده‌اند تا با آن حضرت به هر صورتی که میسر است ارتباط برقرار کنید و به یادش باشید و برایش دعا کنید و برای حل مشکلات خویش به آن حضرت توسل جوئید.

بنابراین، این ارتباط که ممکن است به تناسب نوع آن، استعدادهای روحی و اخلاقی و لیاقت‌های اکتسابی افراد، شکل‌های گوناگونی داشته و در مراتب مختلف - چه در خواب و چه در بیداری - صورت پذیرد، خود زمینه بسیار خوبی است تا شیعیان بتوانند با آن کانون معنویت اسلام و منبع انوار الهی اتصال روحی و معنوی پیدا کنند و ضمن تلذذ معنوی و پاداش اخروی فراوان، به خواسته‌ها و نیازهای مورد درخواست خویش نیز نایل آیند؛ چراکه آن حضرت مستجاب الدعوه بوده و نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد.

آیا به راستی چنین چیزی در مکاتب و مذاهب دیگر یافت می‌شود و آیا همین مسئله بسیار مهم برای بالنده بودن مهدویت شیعی کفایت نمی‌کند؟^{۱۶}

نشانه‌های بالندگی فرهنگ شیعه در پرتو اندیشه مهدویت

در آغاز این بخش نیز تأثیر مهدی باوری بر فرهنگ شیعی از نگاه دو تن از اسلام پژوهان غربی ارائه می‌شود:

۱. مارین، محقق آلمانی در این زمینه می‌گوید:

از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که همیشه می‌تواند موجب امیدواری و رستگاری شیعه باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور اوست؛ زیرا عقیده شیعه این است هنگامی که انسان در بستر می‌رود، به این امید باید بخوابد که چون صبح از خواب برخیزد، حجت عصر ظهور کرده و او باید برای یاری‌اش آماده باشد. آنان معتقدند که همه مردم و دولتهای دنیا تابع حکومت آنها خواهند شد. گویا فرد فرد شیعه، بدون استثنا، شب که به بستر می‌روند، به امید ترقی و عالم‌گیری مذهب و اقتدار خود، صبح از خواب برمی‌خیزند. شیعیان مجتهدان را نواب عام حجت عصر می‌دانند. بر دانشمندان اجتماعی روشن است که اگر چنین عقیده‌ای در میان فرد فرد ملتی گسترش یافته و رسوخ کند، ناچار روزی اسباب طبیعی برای آنان فراهم خواهد آمد! یأس و حرمان، عامل هرگونه نکبت و ذلت، ولی ضد آن که پشتگرمی و امیدواری و قوت قلب از روی اعتقاد است، مایه فلاح و نجات می‌گردد.^{۱۷}

۲. هاتری کرین، اسلام‌شناس و شیعه پژوه شهیر فرانسوی نیز در این زمینه مطالبی شنیدنی بیان کرده است. او در بخشی از گفتارش با عنوان «بشارت مذهب تشیع برای بشریت چیست؟» چنین می‌گوید:

به نظر من، [ما] می‌توانیم کوشش کنیم تا در تفکر شیعه یک مشاهده واضح و روشن معنوی به دست آوریم، مشاهده‌ای که بر ناامیدی امروز بشر تفوق می‌یابد و آن را از میان برمی‌دارد... به صورت اختصار می‌گویم: امام‌شناسی شیعه می‌تواند... صراط مستقیمی میان وحدت‌بینی انتزاعی اسلام سنی و حلولیت کلیساهای رسمی مسیحی باشد... درباره [ابعاد] پیام جدیدی از معنویت تشیع موارد زیر شایان توجه است: الف) پیغمبرشناسی و امام‌شناسی؛ یعنی آنچه تشیع درباره شخصیت دوازده امام برای خود تبیین کرده، که نه «حلول» است که هبوط خداوند را در تاریخ تجربی در بر دارد و نه عقاید «لاادریه» که انسان را با عالمی که خداوند آن را ترک کرده است، مواجه می‌سازد و نه «وحدت‌بینی انتزاعی اسلام سنی» که بُعد بی‌نهایتی میان خداوند و انسان به وجود می‌آورد. وضع فعلی جهان ما را و ادار می‌کند که بار دیگر درباره «صراط مستقیم» میان «تشبیه» و «تعطیل» بیندیشیم.

ب) معنویت اسلام تنها با تشیع امکان حیات و دوام و بقا دارد و این معنا در برابر هر گونه تحوّل و تغییری که جوامع اسلامی دستخوش آن باشند، استقامت خواهد کرد.

ج) امام زمان، مفهوم اعلایی است که مکمل مفهوم «غیبت» است، ولی کاملاً مرتبط با شخصیت امام غایب است. این جانب مفهوم «امام غایب» را با روح غربی خودم به گونه‌ای نو و بکر احساس و درک می‌کنم و چنین به تفکر و دلم‌الهام می‌شود که رابطه حقیقی آن را با حیات معنوی بشر وابسته می‌دانم... مستشرقانی که مذهب تشیع را به منزله یک مذهب متمرکز و استبدادی معرفی کرده‌اند، مسلماً دچار گمراهی و اشتباه بزرگ گردیده‌اند و این طرز فکر، برخاسته از مفهوم کلیسا و روحانیت مسیح است که در ذهن آنان به قرینه فکری وارد شده است...^{۱۸}

اینک در بخش دوم این مقاله سه تا از مهم‌ترین آموزه‌های اندیشه مهدویت در نگاه شیعه ارائه و تبیین می‌شود تا گواه روشنی بر بالندگی فرهنگ شیعه و حقانیت اصل مکتب تشیع باشد.

۱. فرهنگ انتظار

از مهم‌ترین مسائل و آموزه‌های مربوط به اندیشه مهدویت، مسئله «انتظار فرج» است که به دلیل اهمیت فوق العاده و نقش گسترده و بسیار سازنده‌اش در نگاه شیعی، از آن به «فرهنگ انتظار» یاد می‌شود.

اصل مسئله انتظار - صرف نظر از نوع نگرش به آن و چگونگی پردازش آن - یک ایده فراگیر در مکاتب و ادیان و به ویژه در اسلام است؛ چون - گذشت که - انتظار دنیایی بهتر و آینده‌ای روشن‌تر در پرتو انقلاب جهانی منجی موعود، یک اندیشه فراگیر است؛ ولی نگاه مکتب تشیع به آن و چگونگی پردازشش با سایر ادیان و مذاهب تفاوت‌های چشمگیری دارد و بسیار بالنده‌تر و تحول آفرین‌تر است. راز این بالندگی و سازندگی فلسفه و فرهنگ انتظار در نگاه شیعی را باید در جامعیت نگاه این مکتب به اصل مسئله مهدویت جست و جو کرد؛ چرا که شیعه به «موعود زنده حاضر در صحنه اجتماع بشری منتظر فرمان الهی برای ظهور و در عین حال پنهان از چشم ما» معتقد است و آمدنش را شب و روز و بلکه هر لحظه انتظار می‌کشد! چنین باور و انتظار بالنده‌ای درباره «مهدی موعود علیه السلام» را در هیچ مکتب و مذهبی نمی‌توان یافت.

آری، فلسفه انتظار، دمیدن روح امیدواری و پایداری است. انتظار و عقیده به ظهور مصلح این چنینی، شیعه را در جریان زمان، برای هر گونه حادثه و رخدادی آماده و پایدار ساخت و روزنه امید به رهایی از مشکلات و رسیدن به ساحل نجات را در دلش دمید و چنین بود که جامعه شیعه

در پرتو آن از زوال و رکود مصون ماند و بلکه هر روز بالنده‌تر و قوی‌تر شده و تا امروز این عقیده و انتظار، تداوم بخش حیات بالندهٔ مکتب تشیع و عامل پایداری و استواری پیروان آن می‌باشد. به همین دلیل، شیعیانی که با وضعیت اسفبار و شرایط سخت و مرگبار دوران حاکمیت بنی‌امیه و بنی‌عباس، رو به رو شده بودند، اگر از روح آمیخته با فرهنگ عاشورایی جهادگری، فداکاری و پایداری در راه هدف و شهادت‌طلبی برخوردار نبودند و نیز ظهور منجی را انتظار نمی‌کشیدند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت نداشتند، هرگز حاضر به این‌گونه فداکاریها و از جان گذشتگیها در قیامها و انقلابهای خونین نمی‌شدند و اساساً حال مقاومت و انگیزه پایداری و از جان گذشتگی را از دست می‌دادند و از دگرگون شدن اوضاع و کمی عده و عده ناامید شده و از پای درمی‌آمدند و ریشهٔ هرگونه حرکت اصلاحی و روح پایداری در آن‌ها خشک می‌شد. از این رو، پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا به امروز، ریشهٔ همه حرکت‌ها و نهضت‌های فراوان شیعه علیه حکام و سلاطین جور، اندیشه و فرهنگ عاشورایی و اندیشه مهدویت و به ویژه فلسفه انتظار آن و عقیده به ادامهٔ مبارزه حق علیه باطل بوده است.

اینک باید مفهوم دقیق انتظار روشن شود و آثار سازنده آن نیز تبیین گردد، تا بالندگی این عقیده و به تبع آن بالندگی اصل مکتب تشیع نیز آشکار شود.

انتظار در لغت به معنای چشم داشت و چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است.^{۱۹} نتیجه‌ای که از معنای لغوی «انتظار» به دست می‌آید این است که کسی که عمل زشت و ناهنجاری انجام داده، منتظر کیفر آن می‌باشد و کسی که بذری را در زمین پاشیده، منتظر است که محصولش از زمین سر برآورد و سرسبز شود و کسی که کار خیر و شایسته‌ای انجام داده، منتظر است تا روزی فرا رسد و او پاداش کار خیرش را دریافت کند و کسی که انتظار آمدن شخصی را می‌کشد، خودش را مهیای دیدارش می‌کند.

اما در معنای اصطلاحی آن در نزد شیعه انتظار عبارت است از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام و امید به ظهور حتمی آن واپسین حجت الهی و آغاز حکومت صالحان.^{۲۰} نیز در تعریف انتظار گفته‌اند که حالتی نفسانی و صفتی قلبی است و در مقابل یأس و ناامیدی قرار دارد. این نوع انتظار موجب حرکت و آمادگی روحی و جسمی می‌شود. هر مقدار که انتظار عمیق‌تر و شدیدتر باشد آمادگی و مهیّا شدن انسان بیشتر و قوی‌تر می‌شود.^{۲۱}

انتظار فرج در تفکر اسلام ناب شیعی، در واقع نوعی آمادگی است؛ آمادگی برای پاک شدن، پاک زیستن؛ آمادگی برای حرکتی مستمر و دائم، توأم با خودسازی، دگرسازی و

زمینه‌سازی؛ و سرانجام آمادگی برای تهیه قوا برای شرکت در نهضت عظیم و جهانی حضرت مهدی علیه السلام که آغاز آن، ظهور حضرت و پایان آن، شکست تاریکی‌ها و ستمها و نتیجه آن، برپایی حکومت عدل الهی در گستره گیتی به زعامت آن رهبر بزرگ الهی است.

آری، انتظار در تفکر ناب اسلامی به شیعه واقعی امید، عشق و نشاط می‌بخشد و توان، صبر و پایداری، حرکت و تلاش می‌دهد. در این فرهنگ و گفتمان همه چیز معنای خاصی پیدا می‌کند. شیعه منتظر، انسان هوشمند، انقلابی و فداکاری است که با خود آگاهی و معرفت، به حقیقت منجی و موعود جهانی و هویت عینی او در ابعاد شخصیت حقیقی و حقوقی اش ایمان دارد و به تبع شرایط گاهی با سلاح مبارزه، گاهی با صبر و شکیبایی و در پیش گرفتن تاکتیک تقیه و زمانی با تعامل و مصلحت، زمینه را برای ظهور مهدی موعود علیه السلام فراهم می‌کند.

در دعای «عهد»، منتظر واقعی، انسان خود ساخته‌ای معرفی می‌شود که آماده همراهی با امام عصر علیه السلام است! ^{۲۲}

اصل «انتظار فرج» از یک اصل کلی اسلامی مایه می‌گیرد و آن، اصل ضرورت امیدواری به لطف و رحمت خدا و حرمت یأس و نومیدی از لطف و رحمت او، که موجب می‌شود انسانهای مؤمن امیدوار به رحمت و فضل الهی و گشایش امور باشند و رهایی از تنگناها، مشکلات و دشواریهای زندگی را انتظار بکشند.

بنابراین، دلیل اصلی این انتظار همان نویدهای قرآن کریم به نجات و گشایش امور و ^{۲۳} نیز روایات معتبری است که مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام، برچیده شدن بساط ظلم و ستم و حاکمیت دولت حق به دست او را به عنوان وعده تخلف‌ناپذیر الهی مطرح کرده‌اند، که منابع بی‌شمار آن در ارجاعات گذشته ارائه شد و اکنون به عنوان نمونه، برخی از این گونه روایات ذکر می‌شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لَا تَقْرَأُ السَّاعَةَ حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي أَوْ قَالَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَأْتِيهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا. ^{۲۴}

قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه زمین از ظلم و دشمنی پر شود، سپس مردی از عترت و اهل بیتم قیام کند، زمین را از عدل و قسط پر کند همچنانکه - پیش از این - از ستم و دشمنی پر شده بود.

نیز آن حضرت در روایت دیگری تصریح کرده که «مهدی علیه السلام از فرزندانم است برای او غیبتی است، هنگامی که ظهور کرد زمین را از عدل و داد پر می‌کند همچنان که از ظلم و جور پر شده بود». ^{۲۵}

امام حسین علیه السلام نیز می فرماید:

كُلُّ لَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطْوَلَهُ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فَيَمْلَأُهَا
عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا...^{۲۶}

اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی می کند تا
مردی از فرزندانم قیام و ظهور کند، سپس زمین را از عدل و قسط پر کند، چنان که پیش از آن از
جور و ستم پر شده بود.

رسالت منتظران

نگاهی اجمالی به روایاتی که فضیلت و اهمیت انتظار ظهور امام عصر علیه السلام و تحقق جامعه
مهدوی را بیان داشته اند، نشان دهنده آن است که پیشوایان معصوم علیهم السلام در صدد فرهنگ سازی
بوده اند. آنان در مقام ایجاد جامعه ای بوده اند که منتظران ظهور امام زمان علیه السلام خود را در
شرایط ظهور و حضور در محضر آن حضرت احساس کرده و آرمانها و منویات مقدس و تعالی بخش
اورا - نه صرفاً در ذهن و باور قلبی بلکه - در عینیت جامعه و صحنه عمل جست و جو کنند و به
منصه ظهور و بروز در آورند و به مقدار توان پیاده نمایند و در پرتو آن، زندگی فردی و اجتماعی
خویش را سامان دهند و در نتیجه حیات مهدی پسند، بالنده و رشد یافته ای را رقم بزنند.
چنین زندگی ای تحقق بخش «فرهنگ انتظار» خواهد بود. راز اهمیت و فضیلت بسیار والای
انتظار فرج در روایات را باید در همین حیات بالنده شکل گرفته در پرتو انتظار سازنده و مثبت
جست و جو کرد. برخی از روایات مربوط به آن چنین است:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

- أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.^{۲۷}

برترین اعمال امت من، انتظار فرج خدای عز و جل است.

- أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ.^{۲۸}

برترین عبادت، انتظار فرج است.

- أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ.^{۲۹}

برترین جهاد امتم، انتظار فرج است.

نیز در برخی روایات دیگر، منتظران را برترین مردم همه روزگاران برمی شمارند؛^{۳۰} و
آن ها را همانند کسانی می دانند که در راه خدا به خون خود غلطیده اند؛^{۳۱} و در پیشگاه رسول
خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده اند.^{۳۲} امام کاظم علیه السلام فرمود:

خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائمان به ریسمان ما چنگ می‌زنند و بر دوستی ما و دشمنی با دشمنان ما ثابت می‌مانند. آنان از ما و ما از آنها ایم آنها به امامت ما خشنود و ما به پیروی آنان خرسندیم. خوشا به احوالشان، به خدا سوگند آنان در روز قیامت در مرتبه ما و با ما خواهند بود! ۳۳

بنابراین، انتظار فرج، رسالتی بس بزرگ بر دوش منتظران ظهور مهدی موعود علیه السلام است؛ انتظاری بالنده، مسئولیت‌ساز و تعهدآور که گریزی از پذیرش آن برای پیروان اسلام ناب محمدی، شیعیان دل‌باخته اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و منتظران حقیقی و چشم‌به‌راه ظهور مهدی علیه السلام نیست. آری، انتظاری که از آن سخن می‌رود، انسان را همچون کسی می‌گرداند که مسافری بس عزیز و گرانمایه در سفر دارد و او هر لحظه آمدنش را به انتظار نشسته و به هر وسیله ممکن در تلاش بوده و باید باشد تا زمینه ظهور و هر چه زودتر آمدنش را فراهم کند و از طولانی شدن غیبت و نیامدنش، سخت در رنج و غم بوده و آه و فغان سر می‌دهد و اشک فراق بر گونه جاری می‌سازد؛ و آنچنان به مسافر منتظر ظهور و ورودش عشق و محبت می‌ورزد که لحظه‌ای از یاد او غافل نبوده و فراموشش نمی‌کند.

از این رو، برای اثبات راستی انتظارش و عشق و محبتش به آن مسافر عزیزتر از جانش که همچون خورشید فروزانی در پس پرده غیبت قرار گرفته و از دیده‌ها پوشیده و پنهان مانده است، باید اعمال و اقداماتی را انجام دهد و این اعمال و اقدامات تحت عنوان وظایف و تکالیف منتظران در عصر غیبت از سوی پیشوایان معصوم علیهم السلام بیان و اعلام شده است؛ چرا که انجام این تعهدات و تکالیف، هم موجب تعجیل در ظهور منجی موعود علیه السلام می‌شود و هم منتظران را به آن پاداش والای اعلام شده در روایات می‌رساند و هم این که پایبندی به آن آموزه‌ها و دستورات، آنها را به کمالات معنوی و ایمان برتر دینی ارتقا می‌دهد.

اما این اعمال و وظایف منتظران در عصر غیبت بسیار زیاد است، به طوری که درباره آنها کتب فراوانی از سوی عالمان دینی تدوین و نگارش شده است، که از جمله آنها می‌توان از دو جلد کتاب گرانسنگ «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» به قلم محمد تقی موسوی اصفهانی نام برد که حدود هشتاد وظیفه از وظایف شیعیان را بر شمرده است.

برخی از این وظایف عبارت‌اند از:

۱. شناخت درست امام زمان علیه السلام در ابعاد شخصیت حقیقی و حقوقی، به این بیان که بخشی از شناخت آن حضرت مربوط به شخص اوست مبنی بر اینکه پدر و مادرش کی‌اند،

تولدش کی و کجا است غیبت او چگونه است و محل زندگی اش کجاست؛ و بخشی مربوط به شخصیت حقوقی اوست مبنی بر اینکه او امامی از امامان معصوم علیهم السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و صی ای از سلسله اوصیای دوازده گانه او و نیز جانشینی از جانشینان راستین آن حضرت می باشد. به بیان روشن تر، بشناسند که امام زمان علیه السلام دوازدهمین امام از سلسله امامت است که بنا به دلایلی از دیده ها پنهان شده و روزی که خدا بخواهد ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر می نماید و اسلام را با تمام ابعاد و احکام آن در گستره جهان تبلیغ و منتشر نموده و حکومت واحد جهانی اسلام را تشکیل خواهد داد.

روشن است این جنبه از شخصیت امام زمان علیه السلام که از آن به «امامت خاصه» نیز تعبیر می شود، به عنوان بخش جدانشدنی و تفکیک ناپذیر از اصل امامت یا «امامت عامه» است که به عنوان اصلی از اصول دین و مذهب شیعه مطرح است، که به تصریح روایات معتبر، نشناختن جایگاه امامت امام - به همه ابعاد آن - همان و مردن به مرگ جاهلیت و کفر همان.^{۳۴}

۲. دعا برای سلامتی آن حضرت، به گونه ای که ائمه علیهم السلام تعلیم داده اند.^{۳۵}

۳. صدقه دادن برای سلامتی ایشان،^{۳۶} همان گونه که وقتی یکی از عزیزان ما در سفر است صدقه می دهیم تا سالم برگردد. این صدقه نوعی ابراز محبت و مودت به آن حضرت است.

۴. اندوهناک بودن در فراق آن حضرت و اظهار محبت و عشق به آن حضرت و شوق دیدارش را داشتن و تلاش برای تشریف به محضرش و پیوسته به یادش بودن.^{۳۷}

۵. هنگامی که نام آن حضرت «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله» برده می شود، همه برای تعظیم و تکریم او بپاخیزند. چنانکه ائمه علیهم السلام این کار را می کردند. به عنوان نمونه، روایت شده که حضرت امام رضا علیه السلام در مجلسی در خراسان وقتی نام مبارک «قائم علیه السلام» برده شد، ایستاد و دست بر سرش نهاد و فرمود:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ.^{۳۸}

خداوند! فرجش را تسریع فرما و زمینه خروجش را آسان گردان.

۶. آشنا کردن مردم با امامتش، ولایت و سیطره ولایی اش بر عالم و آدم به اذن و قدرت الهی و راهنمایی مردم به لزوم پیروی از ایشان و انتظار ظهورش را کشیدن، که نوعی «تواصی به حق» مورد خواست و تأکید قرآن کریم است.^{۳۹}

۷. بزرگداشت و تجلیل از مقام افرادی که منسوب به آن حضرت هستند؛ از قبیل علما، فقها و به ویژه ولی فقیه در عصر ما، سادات و صالحان، که از خاندان آن حضرت یا شاگردان و شیعیان اویند؛ چرا که احترام و تجلیل این گونه افراد، احترام و تجلیل آن حضرت به شمار می آید.

۸. توسل به امام زمان علیه السلام برای برآوردن حاجات و حل مشکلات و طلب شفاعت از او.
۹. تعیین نکردن وقت ظهور و تکذیب کسانی که وقت ظهور آن حضرت را تعیین می‌کنند.^{۴۰}
۱۰. صبر بر غیبت آن حضرت و امیدوار بودن به ظهور آن حضرت و انتظارش را کشیدن.^{۴۱}
۱۱. انجام کارهایی که موجب خشنودی و نشاط آن حضرت و پرهیز از کارهایی که موجب رنجش و اندوه او می‌شود، به بیان روشن‌تر، پارسایی و پرهیزکاری پیشه کردن و تخلق به اخلاق و مکارم اخلاقی و پرهیز از گناه و ظلم و فساد اخلاقی. چه اینکه جهاد، تزکیه و تهذیب نفس، از بهترین نشانه‌های انتظار ظهور آن حضرت و از برترین ویژگی‌های منتظران و یاران حقیقی او به شمار می‌رود.^{۴۲}
- امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

کسی که دوست دارد از اصحاب قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و پرهیزکاری و ورع و کسب مکارم اخلاقی پیشه کند. چنین کسی منتظر واقعی [امام زمان علیه السلام] است. پس اگر بمیرد و ظهور قائم علیه السلام پس از آن باشد، برای او پاداش کسی است که امام زمان علیه السلام را درک کرده است. پس جدیت و تلاش کنید و منتظر باشید...^{۴۳}

بنابراین، آیا برآستی چنین انتظاری برای ظهور موعود با آن ویژگی‌های برشمرده، انتظاری سازنده و بالنده نبوده و نشان از بالندگی و پویایی اصل مکتب تشیع نمی‌دهد؟

ره‌آورد انتظار

انتظار در فرهنگ شیعی به دلیل تعالیم و آموزه‌های بسیار سازنده و بالنده‌اش، در صورت اجرایی شدن آن وظایف و آموزه‌های مترقی، امید به آینده روشنی که در میان همه ملل مطرح است را عینیت بخشیده و کاربردی می‌کند و موجب بالندگی حیات فرد فرد منتظران حقیقی و نیز شکوفایی حیات اجتماعی آنان می‌شود. بر این اساس، جامعه منتظر مهدی موعود علیه السلام در تفکر شیعی، جامعه‌ای زنده، امیدوار، بانشاط و بالنده بوده، دارای افقی روشن، اهدافی انسانی - الهی بلند و ارزشمند و آرمانهای شورانگیز و تحول آفرین است.

از این رو، انتظار موعود در نگاه شیعی یک انتظار صرفاً آیده‌آلی و آرمانی فاقد هر گونه آثار عینی و عملی نیست؛ چون انتظار موعود در مفهوم اسلام ناب شیعی به واقع انتظار جامعه‌ای است که انسانها در آن در پرتو تعالیم و آموزه‌های مهدوی به تکامل علمی، عقلی و معنوی رسیده و به تمام ابعاد وجودی رشد و تعالی یافته و همه استعدادها و ظرفیت‌های ذاتی و

درونی‌شان شکوفا شده است و در نتیجه، همگی به مراتبی از مقام «انسان کامل» به فراخور ظرفیت خود رسیده‌اند.

این ره‌آورد و آثار، به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود و ما به دلیل اهمیت بیشتر آثار و ره‌آورد اجتماعی، آن را مقدم داشته و جلوتر بیان می‌کنیم.

الف. ره‌آورد اجتماعی

جامعه شیعی، به گواهی اسناد و مدارک، در طول حیاتش، جامعه‌ای انقلابی، پرشور، حماسه‌ساز، ستم ستیز و اصلاح طلب بوده است؛ و به دلیل برخورداری از همین روحيات ارزشمند و به ویژه روح مقاومت و پایداری و تسلیم و سازش‌ناپذیری در برابر حکومت‌های جبار و ستم‌پیشه، پیوسته دستخوش نهضت‌ها، قیام‌ها و انقلاب‌های فراوان کوچک و بزرگ بوده است، که آخرین و -شاید- کامل‌ترین آن تاکنون، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام است که در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به پیروزی نهایی رسیده و منجر به تشکیل نظام مقدس «جمهوری اسلامی ایران» شده است. چنین روحيات حماسی، سلحشوری و پایداری در پیروان هیچ یک از مذاهب دیگر اسلامی دیده نمی‌شود.

تردیدی نیست که جامعه شیعی، داشتن چنین روحیه پایداری در برابر رهبری‌های فاسد و مبارزه با ظلم و فساد را مرهون فرهنگ غنی اهل بیت علیهم السلام و به ویژه فرهنگ عاشورا و فرهنگ انتظار است. چراکه جامعه‌ای که شهروندان فرهیخته و آگاه آن منتظر ظهور مصلح جهانی هستند، نه تنها خودشان را به صلاح و سداد می‌کشاند و خودسازی می‌کنند، بلکه در صدد اصلاح دیگران و ایجاد جامعه مهدی‌پسند نیز هستند تا در پرتو آن زمینه ظهور آن مصلح کل را فراهم کنند.

به همین دلیل، چنین روحیات فراگیر شیعی، جامعه شیعه را پیوسته جامعه‌ای متحرک، انقلابی و پایدار در برابر مشکلات و سختی‌ها بار آورده و از سکون، سکوت، و سازش‌کاری و همراهی با جریان‌های باطل و حکومت‌های غاصب و ستمگر باز داشته است؛ هر چند از میان جوامع شیعی کسانی بوده و هستند که به دلیل کج‌فهمی، تفسیر غلط فرهنگ انتظار و روحیه ضعیف و بیمارشان، انتظار به معنای غلط و منفی را ترویج کرده و می‌کنند و در نتیجه، عکس جریان پیش‌گفته حرکت می‌کنند، ولی به لطف الهی نسبت به کل شیعیان، گروه اندک و ناچیزی به شمار می‌آیند و تلاش‌های منفی و مخرب آنها تأثیر به‌سزایی در جریان فکری - سیاسی زلال و ناب شیعی نداشته و ندارد.

بخشی از آثار سودمند اجتماعی، ره آورد توجه و عنایات خود حضرت ولی عصر علیه السلام به جامعه شیعی است، که برخی از آنها به طور فهرست‌وار به این شرح است:

۱. محافظت از شیعه و پاسداری از اقتدار و عزت آنها.^{۴۴}
۲. دفع بلا از شیعیان و منتظران.^{۴۵}
۳. دعا برای شیعیان و منتظران.^{۴۶}
۴. نصب نواب عام و تأیید و حمایت از آنها.^{۴۷}
۵. برآوردن حاجات و حل مشکلات آنها.^{۴۸}
۶. شفای بیماران.^{۴۹}
۷. دستگیری گمشدگان.^{۵۰}
۸. پاسخ به معضلات و مشکلات علمی.^{۵۱}
۹. نصیحت و تذکر در مواقع لزوم.^{۵۲}

ب. ره آورد فردی

ره آورد و آثار فردی انتظار فرج فزون از شمار است، به حدی که درباره آن کتابهایی نوشته‌اند، که دو تا از کتابهای مربوط به آن یکی برکات حضرت ولی عصر علیه السلام (با حکایات کتاب عبقری الحسان، علی اکبر نهاوندی) و دیگری، عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، به قلم محمدرضا باقی اصفهانی است. از این رو، طرح و بررسی تفصیلی این گونه آثار مثبت و سودمند در گنجایش این مقاله نبوده و مجال دیگری می‌خواهد.

بخشی از این آثار و ره آورد را نویسنده کتاب گرانسنگ «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» در جلد اول باب پنجم آن آورده است، که در اینجا به طور گزینشی به برخی از آنها اشاره می‌شود. البته پیش از آن یادآور می‌شویم که این آثار اختصاص به دعای خالصانه و عاجزانه به درگاه خدا برای فرج امام زمان علیه السلام و تعجیل در ظهورش دارد. روشن است کسانی می‌توانند از این آثار و نتایج سودمند دعا برای فرج آن حضرت به طور کامل بهره‌مند شوند که با خودسازی و همراهی عملی و واقعی با امام زمان علیه السلام و کسب شایستگی، زمینه استحقاق کامل را در خود ایجاد کرده باشند. اما برخی از ره‌آوردهای فردی دعای فرج، عبارت‌اند از:

۱. موجب فزونی نعمت می‌شود؛
۲. مایه ناراحتی شیطان لعین است؛
۳. موجب نجات از فتنه‌های آخرالزمان است؛

۴. ادای بخشی از حقوق آن حضرت به شمار می آید؛
۵. زنده کردن او امر ائمه علیهم السلام می باشد؛
۶. دعای امام زمان علیه السلام در حق دعاکننده فرج را در پی دارد؛
۷. موجب شفاعت آن حضرت در روز قیامت است؛
۸. مایه استجابت سایر دعاهاست؛
۹. مایه دفع بلاها می شود؛
۱۰. موجب آمرزش گناهان است؛
۱۱. زمینه تشریف به محضر آن حضرت در بیداری و خواب برایش فراهم می شود؛
۱۲. موجب تسریع در فرج و ظهور آن حضرت است؛
۱۳. آثار نیک آن به والدین دعاکننده می رسد؛
۱۴. عمر انسان را طولانی تر می کند؛
۱۵. کمک و عنایت خداوندی را به همراه دارد؛
۱۶. هنگام مرگ به او نوید نجات داده می شود و بر او آسان گرفته می شود؛
۱۷. از محبوب ترین افراد نزد خدا و رسولش می شود؛
۱۸. شفاعت او در قیامت درباره گناهکاران، پذیرفته می شود؛
۱۹. از تشنگی روز قیامت در امان می ماند؛
۲۰. فرستگان برای او طلب آمرزش می کنند؛
۲۱. حسابرسی او آسان می شود؛
۲۲. روز قیامت هدایای ویژه ای دریافت می کند؛
۲۳. سبب افزایش ایمان و تکامل آن می شود؛
۲۴. تعظیم شعائر الهی است؛
۲۵. دعاکننده فرج، پاداش کسی را دارد که زیر پرچم حضرت ولی عصر علیه السلام شهید شده باشد. ^{۵۳}

۲. عدالت محوری

یکی دیگر از مفاهیم و آموزه های محوری در اندیشه مهدویت در نگاه شیعی، مفهوم و آموزه عدالت است. به حدی عنصر عدل و قسط در اندیشه مهدویت شیعی مورد توجه و اهتمام است که اگر هدف اصلی از قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را برقراری عدالت و قسط و زدودن

ستم و تبعیض در گستره جهان بدانیم به گزاف سخن نگفته‌ایم. به همین دلیل «عدالت‌گستری»، شعار و آرمان اصلی آن حضرت است. چنانکه در زیارت‌نامه‌اش می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمَشْتَهَرِ. ۵۴

سلام بر امام قائم منتظر (فرمان الهی برای ظهور) و سلطان عادل مشهور.

توضیح آنکه، عدالت و برقراری نظام اجتماعی بر اساس عدل و قسط در مکاتب آسمانی و توحیدی و به ویژه اسلام از جایگاه بسیار والا و مقدسی برخوردار بوده و به عنوان یک آرمان بزرگ و رسالت محوری پیامبران الهی مطرح است و در ارتباط تنگاتنگ با اصل توحید و خداپرستی بوده و با آن پیوند ناگسستنی دارد؛ چراکه خاستگاه همه ارزشهای اصیل انسانی، خداوند متعال و برخاسته از اراده تکوینی و تشریحی اوست. این مسئله واقعیت تردیدناپذیری است که با مراجعه به قرآن کریم به راحتی قابل شناسایی است. اینک به عنوان نمونه چند آیه ارائه می‌شود:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ. (محل: ۹۰)

خداوند متعال (همگی را) به عدالت‌ورزی و نیکویی فرمان می‌دهد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا
اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ. (مائدة: ۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت ورزید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... (حدید: ۲۵)
ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و به آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم برای اقامه عدل و قسط بپاییزند.

راز برجستگی بسیار بالای عنصر عدالت در مکتب توحیدی ناب اسلام، این است که اسلام دین فطرت و عقل است و عدل دوستی و عدل خواهی و در برابر، ظلم‌گریزی نیز خواست فطری انسان است. طبیعی است که دین فطری به خواست فطری انسانها توجه کافی داشته باشد و برای تحقق آن در میان انسانها اهتمام ورزد. ۵۵

به همین دلیل، نظام امامت شیعه، به عنوان اسلام ناب محمدی ﷺ، نظام عدالت و قسط نامیده می‌شود و عنصر عدالت در این مکتب و مذهب آن چنان پررنگ و برجسته مطرح شده و در نقطه مرکزی اهداف آن قرار گرفته که به عنوان یک اصل از اصول مذهبی آن مطرح می‌باشد. در هیچ مکتب و مذهبی اصل عدل تا این اندازه پررنگ و برجسته مطرح نشده است.

از این رو، این مسئله یکی از نشانه‌های قوی حقانیت مذهب تشیع و رمز و راز بالندگی و پویایی آن به شمار می‌آید. چراکه مشکل اصلی جوامع انسانی در گذشته و حال همین مسئله یعنی عدل خواهی بشریت از یکسو و نبود عدل و قسط در جوامع بشری و حاکمیت ستم و ستمکاران بر آنها از سوی دیگر است.

آیا گواهی محکم‌تر و مهم‌تر از این بر عدل محوری مکتب تشیع وجود دارد که پافشاری پیشوای نخستین آن امیر مؤمنان علی علیه السلام بر پیاده کردن عدل و قسط در جامعه اسلامی بود که مخالفان او بر نتابیدند و او را در محراب عبادت به شهادت رسانیدند. و بر همین اساس درباره آن حضرت این جمله مشهور شد که: «قُتِلَ فِي مِحْرَابٍ عِبَادَتِهِ لِبُدَّةٍ عَذْلِهِ».

آری، عدالت خواهی شیعه را نقطه پایانی نیست؛ به دلیل اینکه حضرت مهدی موعود علیه السلام به عنوان خاتم الاوصیا، میراث‌دار بزرگ امامت و رسالت و منجی عالم بشریت، هدف اساسی قیام و ظهورش را برپایی حکومت عدل جهانی اسلام بر محور توحید و خداپرستی قرار داده است و همچنان در پس پرده غیب به انتظار فرمان الهی بسر می‌برد تا به اذن و اراده او ظهور کند و بساط ظلم و جور را از زمین برچیند و عدل و داد را جایگزین آن نماید.

چنانکه جد گرامی اش رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِي إِسْمَهُ إِسْمِي وَخُلِقَهُ خُلُقِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. ٥٦

مردی از اهل بیت من قیام می‌کند که نامش نام من و خلقش خلق من است پس زمین را از عدل و قسط پر می‌کند، چنانکه از ظلم و جور پر شده بود.

نیز فرمود:

مژده می‌دهم شما را به مهدی که او در امت من، به هنگام اختلاف و سختیها برانگیخته می‌شود. پس زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، همان طوری که از جور و ظلم پر شده بود. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می‌گردند. مال و ثروت را میان مردم به تساوی و برابر تقسیم می‌کند. خداوند دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدل و قسط او آنان را فرا می‌گیرد.

به همین دلیل، در میان ویژگی‌های قیام و حکومت امام زمان علیه السلام هیچ یک به اندازه «عدالت و قسط» برجستگی و روشنی ندارد. در روایات معصومین علیهم السلام از آن امام علیه السلام به عنوان مظهر و تجلی کامل عدالت یاد شده است. دامنه عدالت گستری آن حضرت تا اقصی نقاط

جهان و جوامع بشری نفوذ می‌کند؛^{۵۷} و در پرتو این عدالت فراگیر، هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی‌ماند.^{۵۸} حقوق به یغما رفته انسان‌ها به آنان بازگردانده می‌شود؛^{۵۹} و زمینه استثمار انسان از انسان به کلی برچیده می‌شود.^{۶۰} زمین از هر نوع خیانت و نادرستی پاک می‌گردد.^{۶۱} و عدالت چنان فراگیر می‌شود که مردم آرزو می‌کنند، ای کاش مردگانشان در میان زندگان بودند و از این خوان گسترده عدالت حقیقی بهره‌مند می‌شدند.^{۶۲}

آری، در جایگاه بس مهم عدالت در قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام همین بس که طبق روایت، اگر حتی جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی می‌کند تا آن حضرت قیام کند و زمین را از هرگونه ظلم، فساد و تبعیض پاک کند و عدل و داد و برابری و برادری را جایگزین آن گرداند.^{۶۳} سخن در این زمینه فراوان است و نیازمند بررسی و مطالعه بیشتر در منابع دینی و کتبی است که در این باره به نگارش درآمده است.^{۶۴}

بنابراین، در این مسئله نیز نباید تردید کرد که میان عقیده به ظهور امام زمان علیه السلام و انتظار ظهورش را کشیدن و میان جایگاه عدل در نظام امامت شیعی و عدالت محوری اندیشه مهدویت در نگاه شیعی، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به همین دلیل، بر پایه معنای جامعی که برای انتظار ارائه شده، مسئله عدالت‌خواهی و عدالت‌ورزی بر روح انتظار و جان منتظران پرتوافکن می‌شود و آنان را به طور جدی در صحنه عمل و در همه ساحتهای زندگی و شئون رفتاری متعهد به عدالت‌ورزی و ستم‌گریزی می‌نماید. راز سازش‌ناپذیری شیعیان منتظر ظهور امام زمان علیه السلام با ستم‌پیشگان و مستکبران در همه مناطق شیعه‌نشین دنیا را باید در همین مسئله جست و جو کرد.

۳. رهایی مظلومان و مستضعفان

به موازات عدالت محوری و عدالت‌گستری در قیام و نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، آرمان رهایی مظلومان و مستضعفان ستم‌دیده و محروم از حقوق در آن جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند و به عنوان نتیجه و ثمره مستقیم عدالت‌گستری و ستم‌ستیزی آن حضرت مطرح می‌باشد. قرآن کریم نیز در آیاتی بر این حقیقت تصریح کرده که روزی مؤمنان مظلوم و ستم‌دیده و مستضعفان جهان، از یوغ ستم مستکبران و جباران رهایی می‌یابند و خود صاحب و وارث زمین می‌گردند.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (انبیاء: ۱۰۵)

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

علامه در المیزان دربارهٔ این آیه می‌نویسد که مراد از بندگان صالح طبق روایات معتبر و متواتر سنتی و شیعه حضرت مهدی علیه السلام و یاران او و مؤمنان عصر ظهور می‌باشند.^{۶۵}

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. (قصص: ۵)

می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. گرچه آیه مزبور به شواهد آیات قبل و بعد آن، دربارهٔ مستضعفان قوم بنی‌اسرائیل و رهایی‌شان از زیر یوغ فرعون و فرعونیان است ولی لحن این آیه طوری است که هرگز در صدد بیان یک برنامه مقطعی در زمان خاص نیست، بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همهٔ اعصار و قرون و همهٔ اقوام و ملل دنیا است. این خود نشانگر پیروزی حق بر باطل و مظلومان بر ستمگران است که یک قانون حتمی الهی و وعده تخلف‌ناپذیر اومی باشد که روزی تحقق خواهد یافت. بر این اساس، گرچه در مقاطعی از تاریخ این وعده و ارادهٔ الهی به طور نسبی در محدوده‌ای از سرزمین و برای قومی خاص محقق شده است ولی به طور حتم تحقق آن در گستره جهان و برای همهٔ مستضعفان و مظلومان جهان در زمان ظهور منجی کل و عدل گستر جهانی، حضرت مهدی موعود علیه السلام میسر خواهد شد.^{۶۶}

این از افتخارات شیعیان است که این آموزه قرآنی را نیز در متن اهداف مقدس خویش قرار داده و به موازات عدل محوری و ظلم‌ستیزی‌شان، مظلوم‌پروری و پشتیبانی از مستضعفان مسلمان و غیر مسلمان در گستره گیتی را نیز جزو آرمانهای مهم دین و مذهب خویش می‌دانند و برای رهایی از مظلومان و مستضعفان جهان از هیچ‌گونه کوشش و تلاشی فروگذار نکرده و نمی‌کنند؛ چراکه این آموزه دینی نیز توسط امامان معصوم علیهم السلام در مکتب اهل بیت علیهم السلام نهادینه شده و آنان بر اجرای آن سفارشها و دستورات مؤکدی را بیان داشته‌اند.

به عنوان نمونه، امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامهٔ مشهورش به «مالک اشتر نخعی» با تأکید بر رعایت حقوق مستضعفان و ستم‌دیدگان فرمود:

فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنْ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعِجٍ.^{۶۷}

من بارها بار از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم، می‌فرمود: هرگز پاک و پاکیزه نخواهد شد ملت و امتی که حق ضعیفان و مستضعفان را از زورگویان و قدرتمندان بدون ترس نگیرد. (چنین مردمی هرگز روی سعادت را نخواهند دید!)

باز آن حضرت در فرمانی به فرزندان گرامش امام حسن و امام حسین علیهم السلام چنین فرمود:

كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَزَائًا ۶۸

دشمن سرسخت ستمگر و یاور و پشتیبان مظلوم باشید!

بر اساس این تفکر ناب و آموزهٔ بالنده دینی و مذهبی بود که معمار بزرگ انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی، قدس سره الشریف، پشتیبانی از ستمدیدگان و مستضعفان جهان و به ویژه ملت‌های مستضعف مسلمان را جزو اهداف و آرمان‌های اصلی انقلاب و نظام اسلامی ایران اعلام کرد و از هر فرصتی در تحقق این هدف مقدس استفاده نمود و تا آخرین روزهای زندگی افتخارآمیز خویش بر این ایده و آرمان مقدس پایدار و پایبند بود. پس از او، خلف صالح و شایسته‌اش رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز این خط فکری و آرمان انقلابی امام را تداوم بخشید و هرگز از یاری مظلومان و مستضعفان جهان و به ویژه مسلمانان دریغ نمی‌ورزد.

تشکیل ارتش بیست میلیونی بسیج مستضعفان در ایران، آرمان به جای مانده از امام راحل است. امید است با ظهور پیشوای مستضعفان حضرت مهدی عج همه ستمگران و زورگویان نابود شوند و مستضعفان و مظلومان جهان پیروز و آزادگردند. آمین یا رب العالمین.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، این نتایج به دست آمد:

۱. آینده بشر در نگاه اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان و ادیان و مکاتب بشری و الهی روشن و امیدوار کننده است.
 ۲. از میان ادیان و مکاتب، اسلام و از میان مذاهب اسلامی، شیعه اثنی عشریه، برترین و بالنده‌ترین نگاه و پردازش را نسبت به آینده بشر و اندیشه مهدویت دارد.
 ۴. بالندگی و برتری نگاه شیعه به اندیشه مهدویت به دلایل چندی است که از مهم‌ترین آن؛ جایگاه اعتقادی دادن به مسئله مزبور، اعتقاد به موعود زندهٔ مشخص، و امکان ارتباط با موعود شیعی است.
 ۵. آموزه‌های اندیشه مهدویت شیعی نیز بسیار مترقی و بالنده است. از جمله مهم‌ترین این آموزه‌ها عبارتند از: فرهنگ انتظار، عدالت‌محوری و آرمان‌رهایی مظلومان و مستضعفان جهان را در سرلوحه اهداف خود قرار دادن.
- نوع نگاه شیعه به مسائل یادشده و چگونگی پردازش آن، گواه روشنی بر بالندگی اندیشه مهدویت در نگاه شیعی و دلیل آشکاری بر بالندگی و برتری اصل مکتب تشیع است.

پی‌نوشتها:

۱. یک نوع تحلیل منفی که از سوی برخی از این افراد و گروهها صورت می‌گیرد، این است که می‌گویند: آینده جهان، به دلیل وقوع دو جنگ جهانی، وجود زرادخانه‌های اتمی و انباشت هزاران بمبهای هسته‌ای در کشورهای بزرگ از یک سو، سابقه استفاده از این نوع بمب‌ها توسط آنان همراه با روحیه استکباری و قدرت شیطانی‌شان در قتل و غارت و ددمنشی از سوی دیگر و ناکارآمدی سازمانهای بین‌المللی در مهار ابرقدرتها از سوی سوم، موجب می‌شود که انسان نسبت به آینده بشر بدبین و ناامید باشد؛ زیرا امکان وقوع جنگ سوم جهانی همان و کشتار انبوه انسانها و نابودی منابع حیاتی همان. (ر.ک: برتراند راسل، آیا بشر آینده‌ای دارد؟ ترجمه مصطفی منصور، تهران، نشر مروارید، چاپ اول، ص ۲۵-۱۵۲).
۲. درباره امید به آینده‌ای روشن و اعتقاد به اصلاح جهان در ادیان و مکاتب فلسفی و الهی، از جمله به این منابع رجوع کنید: علی اصغر رضوانی، نظریه‌پردازی درباره آینده جهان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران؛ بررسی نظریه‌های نجات و مبانی مهدویت، ج ۱، مجموعه مقالات به ویژه مقاله فرجام تاریخ در اندیشه معاصر، بهروز رشیدی، تهران، انتشارات کوروش کبیر.
۳. ر.ک: علی بیگلری، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از طالس تا مارکس، ج ۱، نشر عطا، ۱۳۷۶؛ سید جعفر سجادی، سیاست مدینه (ترجمه السياسات المدنیة، ابونصر فارابی)، همو، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله (ترجمه آراء اهل المدینه الفاضله، فارابی)، به ویژه مقدمه مترجم بر این دو کتاب؛ بررسی نظریه‌های نجات و مبانی مهدویت، ج ۱ و ۲.
۴. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، بیروت، ص ۲۲۳.
۵. ر.ک: محمد بهشتی، ادیان و مهدویت، تهران، کوروش کبیر، چاپ اول، آذر ۱۳۴۲؛ علی اصغر رضوانی، منجی از دیدگاه ادیان، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۶. علامه طباطبایی می‌گوید: در نتیجه تتبع غیر استقصایی، متجاوز از ۳۰۰۰ روایت از پیغمبر اکرم و ائمه هدی علیهم‌السلام درباره امام زمان علیه‌السلام به دست می‌آید. (علامه طباطبایی، شیعه، مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کربن، توضیحات از علی احمدی، سید هادی خسروشاهی، قم، انتشارات رسالت، بی تا، ص ۸۴).
۷. درباره تواتر احادیث مهدی علیه‌السلام قاضی شوکانی از علمای اهل سنت و مؤلف کتاب «نیل الاوطار» می‌نویسد: «پنجاه حدیث درباره مهدی قابل توجه است و این احادیث بدون شک متواترند. (به نقل از محمد بن جعفر الکتانی، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، نشر فاس، ۱۳۲۸ هـ.ق، ص ۱۴۶) نیز برخی دیگر از علمای اهل سنت همه اخبار و روایات درباره مهدی علیه‌السلام را متواتر می‌دانند. (ر.ک: الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۰۲).
۸. در این زمینه به این منابع رجوع کنید: مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی عند اهل السنة، اصفهان، انتشارات کتابخانه امیرالمؤمنین؛ شیخ نجم‌الدین جعفر بن محمد، المهدی الموعود و المنتظر عند علماء اهل السنة و الامامیه، تهران، مؤسسه الامام المهدی؛ سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
۹. ر.ک: یوسف بن یحیی المقدس الشافعی، عقد الدرر، ص ۱۵۷، به نقل از کامل سلیمان، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، مترجم علی اکبر مهدی‌پور، ج ۱، آفاق، ص ۱۵.
۱۰. به نقل از علی اصغر رضوانی، دکتربین مهدویت تنها راه نجات بشر، ص ۲۵-۲۳.
۱۱. ر.ک: حسن الامین، اعیان الشیعه، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ج ۲، ص ۴۹.
۱۲. «لَوْ بَقِيتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ» (ر.ک: اصول کافی، ج ۱، ص ۹۷۹ حدیث ۱۰ از باب: «انَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حِجَّةٍ».
۱۳. ر.ک: همان، ج ۱، کتاب الحججه، باب «عرض الاعمال علی النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و الائمة علیهم‌السلام»، ص ۲۲۰-۲۱۹.

۱۴. در اینجا به عنوان نمونه، برخی از منابع قدیم و جدید درباره حضرت مهدی علیه السلام به اختصار معرفی می‌شود:
- شیخ صدوق (ابوجعفر محمد بن علی القمی)، کمال الدین و تمام النعمه، دو جلدی، ترجمه منصور پهلوان.
 - محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، مشهور به غیبت نعمانی؛ شیخ طوسی، الغیبه.
 - میرزا حسین نوری طبرسی، النجم الثاقب (مهدی موعود)؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، جلد سیزدهم رحلی قدیم یا مجلدات ۵۱، ۵۲ و ۵۳ چاپ جدید و بیروتی.
 - لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، مکتبه الصدوق. (جمع آوری و معرفی احادیث و روایات درباره ابعاد زندگی حضرت مهدی پیش و پس از ظهور).
 - محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، همراه با معرفی دهها جلد کتاب علمای سنی مذهب درباره آن حضرت.
 - سید ثامر هاشم العمیدی، در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی علیزاده، با معرفی حدود ۴۰۰ عنوان کتاب.
 - خدامراد سلیمان، فرهنگنامه مهدویت، مرکز تخصصی مهدویت، بررسی موضوعی مهدویت.
 - محمد حکیمی، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام (پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی علیه السلام).
 - کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، دو جلدی.
 - مجتبی تونه‌ای، فرهنگ القیابی مهدویت؛ سلیمانی؛ فرهنگ مهدویت، مؤسسه انتظار نور، قم.
 - علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی؛ علیرضا نعمتی، خورشید هدایت، دو جلدی.
 - علی اکبر مهدی پور، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، دو جلدی، (معرفی بیش از ۲۰۰۰ جلد کتاب مستقل به زبانهای مختلف درباره آن حضرت).
 - مرجع مهدویت، فهرست و چکیده منابع پیرامون مهدویت ۰ کتاب‌ها، مقاله‌ها، و پایان‌نامه‌ها به تعداد ۳۳۳۶ عدد). بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسا).
 - ۱۵. برای آگاهی از نمونه پرسشها و شبهات کهنه و نو پیرامون اندیشه مهدویت و شخص حضرت مهدی علیه السلام به این منابع رجوع کنید: شیخ مفید (محمد بن محمد)، فصول العشرة فی الغیبه، (ده انتقاد و پاسخ یا) پاسخ به ده پرسش و انتقاد درباره حضرت مهدی علیه السلام، مترجم محمد باقر خالص؛ علی اصغر رضوانی، موعودشناسی، پاسخ به بیش از ۵۰۰ پرسش در ارتباط با مهدویت، انتشارات جمکران؛ سید جعفر موسوی نسب، ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام همراه با معرفی بیش از هزار منبع و چهل پایگاه اینترنتی مهدویت؛ پرسشها و پاسخها، تهیه شده در مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، قم.
 - ۱۶. نویسنده کتاب «امامت و مهدویت»، اصالت و حقایق اندیشه مهدویت در نگاه شیعی و اسلامی را به جهات و یا دلایل دهگانه‌ای اثبات کرده است که به دلیل طولانی شدن حجم مقاله از ارائه و بیان آن پرهیز می‌شود، ولی به خوانندگان گرامی پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان و دسترسی، به کتاب یاد شده مراجعه نمایند. (ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بهار ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۸۷-۱۳۴).
 - ۱۷. در انتظار ققنوس، ص ۳۰۰-۲۹۹، به نقل از سیاست اسلامی، ماربین، فصل هفتم: فلسفه مذهب شیعه، ص ۵۰-۴۹.
 - ۱۸. همان، ص ۳۰۲-۳۰۰، به نقل از رسالت تشیع در دنیای امروز، سید محمد حسین طباطبایی، مقدمه هانری کربن، ص ۳۵-۳۰.
 - ۱۹. لغت نامه دهخدا، ج ۲، ذیل واژه «انتظار».
 - ۲۰. مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، نشر میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۵، چاپ سوم، ص ۱۲۷.
 - ۲۱. محمدتقی موسوی اصفهانی، مکالمات المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، المطبعة العلمیه، قم، طبع دوم، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲۲. در دعای عهد چنین آمده است: «شاهراً آسفی، مجرداً قناتی، ملیباً دعوة الداعی فی الحاضر والبادی و... (ر.ک): مفاتیح الجنان؛ مصباح کفعمی، دعای عهد.»
۲۳. مانند آیات ۸۷ سوره یوسف، ۳۲ و ۳۳ سوره توبه، ۵۵ سوره نور، ۵۱ سوره غافر، ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره انبیاء، ۴ سوره قصص، ۲۸ سوره سجده، ۱۷۱ و ۱۷۲ سوره صافات. برای آگاهی بیشتر در این زمینه. ر.ک: علی اصغر رضوانی، قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۴۸، حدیث ۴.
۲۵. همان، ص ۲۴۹، ح ۸
۲۶. همان، ص ۲۴۷، حدیث ۱.
۲۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲. (باب ۲۲: باب فضل انتظار الفرَج).
۲۸. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ هـ، ج ۱، ص ۲۸۷.
۲۹. حسن بن علی بحرانی، تحف العقول، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت، ص ۳۳.
۳۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.
۳۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۵.
۳۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.
۳۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۱.
۳۴. برای آگاهی از این گونه احادیث درباره ضرورت شناخت امام علیه السلام و ماهیت و چگونگی شناخت ائمه علیهم السلام به «کتاب الحجّه» از جلد نخست اصول کافی رجوع کنید. نیز ر.ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۹۱ - ۱۸۰.
۳۵. منتخب الاثر، ص ۵۰۳. نیز ر.ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۰۳ - ۲.
۳۶. همان، ص ۵۰۲. نیز ر.ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۱۲ - ۲۰۵ و ۲۵۶ - ۲۵۰.
۳۷. ر.ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۴۰ - ۱۳۶ و ۲۲۳ - ۲۱۹؛ فرهنگ الفبایی مهدویت: موعودنامه، ص ۴۴۰ - ۴۳۹.
۳۸. منتخب الاثر، ص ۵۰۶.
۳۹. ر.ک: عصر (۳۹)، آیه ۴.
۴۰. ر.ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۴۰ - ۳۳۰.
۴۱. ر.ک: همان، ص ۲۹۷ - ۲۸۹.
۴۲. ر.ک: همان، ص ۳۰۸ - ۳۰۵.
۴۳. همان، ص ۳۰۵.
۴۴. ر.ک: سید جواد معلم، برکات حضرت ولی عصر علیه السلام (ترجمه حکایات کتاب: عبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام نوشته دانشمند گرانقدر شیخ علی اکبر نهایندی، انتشارات نکسوار حجاز، مشهد مقدس، بهار ۱۳۸۳، ص ۳۵ - ۳۲۴؛ محمدرضا باقی اصفهانی، عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، انتشارات نصایح، قم، تابستان ۱۳۷۹ ص ۳۱۵. لازم به ذکر اینکه در کتاب نخست، حضرت ولی عصر علیه السلام شیعیان بحرین را از شر حاکم و وزیر ناصبی اش در ماجرای حک دروغین نام خلفای راشدین بر پوسته انار نجات داد. در کتاب دوم، کشور ایران در جنگ جهانی اول از خطر فروپاشی و شکست کامل توسط امام زمان علیه السلام حفظ شده است!
۴۵. بحار الانوار، ج ۵۲، اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۳۰.
۴۶. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۳۴ - ۳۳۳.
۴۷. بحار الانوار، بیروتی، ج ۵۳، ص ۱۸۱.
۴۸. محدث نوری، النجم الثاقب، فصل ۷، عنایات مهدی علیه السلام به علمای اسلامی، ص ۲۷۳ و ۲۸۳.
۴۹. عنایات حضرت ولی عصر علیه السلام به علما و طلاب، ص ۱۷۷ و ۱۹۴ و...

۵۰. همان، ص ۵۱۳ و ۴۳۸.
۵۱. همان، ص ۱۵، ۲۷، ۲۸ و ...
۵۲. احتجاج طبرسی، چاپ اسوه، ج ۲، ص ۴۵۹۹ عنایات حضرت مهدی علیه السلام، ص ۳۱، ۱۳۷؛ النجم الثاقب، ص ۳۶۶ و ۳۷۷.
۵۳. برای آگاهی بیشتر در این باره به کتاب مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۱۵-۲۹۹ یا ترجمه آن به قلم سید مهدی حائری قزوینی، ج ۱، ص ۶۱۸-۳۴۶، رجوع کنید.
۵۴. مفاتیح الجنان (عربی)، تعریب محمدرضا نوری نجفی، انتشارات سیدالشهداء، قم، زیارت صاحب الامر علیه السلام، ص ۵۳۰.
۵۵. ر.ک: علی اصغر رضوانی، پاسخ به شبهات موعودشناسی، ص ۳۷-۲۵.
۵۶. منتخب الاثر، ص ۱۴۷.
۵۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
۵۸. همان، ص ۲۲۴.
۵۹. همان، ص ۲۲۵.
۶۰. همان، ج ۵۱، ص ۵۷.
۶۱. همان، ص ۱۲۰.
۶۲. مولودنامه، ص ۴۸۴ به نقل از مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵.
۶۳. منتخب الاثر، ص ۲۴۷.
۶۴. از جمله آن به این منابع رجوع کنید: لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، بهار ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۶-۷۸؛ سید مرتضی مجتهدی سیستانی، دولت کریمه امام زمان علیه السلام، انتشارات الماس، آذرماه ۱۳۸۵، چاپ دوم، ص ۵۶-۳۱.
۶۵. ر.ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۲ و ۳۳۸.
۶۶. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۶، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سی ام، ۱۳۸۳، ص ۳۳-۲۰.
۶۷. نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳، ص ۴۳۹.
۶۸. همان، نامه ۴۷، ص ۴۲۱.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی